جایی برای هیجان فوتبال نیست

صورت مسئله روشن است: دست تلویزیون از گزارشگران تراز اول و محبوب خالی است و نسل تازه‌نتوانسته‌اند جای خود را باز کنند. فارغ از نقدهای تکراری در پرونده امروز درباره امتیازها، نقاط ضعف و موقعیت کنونی شان نوشته‌ایم

احمد رنجبر
هفت صبح

تلویزیون در چند نوبت برای تربیت گزارشگر فوتبال دورخیز کرد. نمونه شاخص آن مسابقه آقای گزارشگر است که از قضا چندین استعداد هم معرفی شد و حالا در تلویزیون مشغول به فعالیت هستند. این تلاش اما در ادامه متوقف ماند؛ هرچند گزارشگرهای معرفی شده هم نتوانستند اصالت صاحب سنسانامه شوند. در این میان فرشاد محمدی بیش از دیگران گزارش می‌کند و عباس قانع تبدیل به چهره‌ای شناخته شده ترشده است.... آن چه عیان است این که تلویزیون گزارشگر تراز اول ندارد. حتی اگر فرض کنیم عادل فردوسی‌پور به عرصه گزارشگری بازگردد باز هم اصل ضعف باقی است. باور کنید مزدک میرزایی می‌ماند هم مشکلی حل نمی‌شد! واکنش‌های این چند روز نشان داده که کسی از رفتن احتمالی علیرضا علیفر ناراحت نمی‌شود! می‌دانیم گوش‌تان از این حرف‌ها پر است؛ پرونده امروز هم بر اساس غر و نق بنا نشده بلکه پایه آن بررسی ویژگی‌های ۱۰ گزارشگر است. درباره مزدک هم نوشته‌ایم تا عیار او نیز مشخص شود. چند گزارشگر دیگر هم هستند مثل محسن ابوفاضلی و خود شهاب قاسمی که بیشتر به اجرای شب‌های فوتبالی مشغول است. درباره ابوفاضلی همین قدر اشاره کافی است که معمولی گزارش می‌کند و برای مطرح شدن به یک اتفاق خاص نیاز دارد...

عادل فردوسی‌پور

موقعیت کنونی سال پیش دچار چالش شد و پرونده توخانمه پیدا کرد. علاوه بر آن گزارشگری هم نکرده است تا اینکه از چندهفته پیش صدای او در فوتبال ۱۲۰ شنیده می‌شود. این برنامه را فردوسی‌پور تهیه می‌کند که پیش از آغاز سری جدید آن شایعه‌ای مبنی بر اجرا توسط خود او به گوش رسید. فعلا همه تمرکز فردوسی‌پور بر فوتبال ۱۲۰ است و به همین خاطر تعداد نریشن‌هایش هم بیش از فصل‌های قبل است.

امتیاز گزارشگری درباره فردوسی‌پور یک نظر واحد وجود دارد که او بهترین گزارشگر حال حاضر کشور ما است. عادل فردوسی‌پور زمانی که هنوز این همه ابزار برای کسب اطلاعات فوتبالی وجود نداشت، با آمار و ارقام و نکات اختصاصی پشت میکروفن می‌نشست. امتیاز مهم دیگر عادل، صمیمیتی است که به‌واسطه سبک گزارشگری‌اش ایجاد کرده. او موقع گزارش، حس خود از کسالت یا حرارت بازی را بیان می‌کند و این گونه کنار بیننده قرار می‌گیرد. فردوسی‌پور بیننده را وارد گزارش می‌کند و مثلا به‌جای گفتن «خط‌ها به‌نظر می‌رسید» او را خطاب قرار می‌دهد: «خط‌ها نبود؟» مشخصه مهم دیگر گزارش‌های او اصطلاحات مخترعه‌فردی است که برخی از آن‌ها وارد ادبیات گفتاری شده‌اند: چه می‌کنه این بازیکن؟ چقدر خوبیم ما، جونیم بیراتوند و... دیگر ویژگی فردوسی‌پور پایبندنبودن به کلمات کلیشه‌ای در گزارش‌هاست و موقع به‌ثمر رسیدن گل‌ها سعی می‌کند از اصطلاحات رایج مثل «توی دروازه» استفاده نکند. امتیاز بزرگ دیگر او تلفظ صحیح اسم بازیکن‌ها است. فردوسی‌پور در اجرا هم با دوربین راحت است. از تیق نمی‌ترسد و با شوخی و خنده اتفاقات را مدیریت می‌کند.

پاشنه آشیل گزارشگری گاهی شوخی‌های او نمی‌گرفت.

نظر مردم بیشتر نظرها مثبت است و به این اشاره دارد که فردوسی‌پور همیشه خوب بوده. در این میان معدودی کامنت انتقادی به چشم می‌خورد اما حالا اشاره غالب به جای خالی او در گزارشگری است.

جواد خیابانی

موقعیت کنونی در حال حاضر پرکارترین گزارشگر تلویزیون است. جواد خیابانی در فصل جدید چهار مسابقه داخلی و خارجی در شبکه ورزش و سه را گزارش کرده و فعلا رکورد تعداد گزارشگری دست اوست. چندی پیش مصاحبه‌ای کرد و گفت عادل فردوسی‌پور به تلویزیون برمی‌گردد تا این گونه ریش سفیدی خود را یادآور شود.

امتیاز گزارشگری جواد خیابانی تلاش کرده به روز باشد و جا نماند. برای همین در حین گزارش‌های داخلی و خارجی اطلاعات مفیدی به بیننده‌ها می‌دهد. صدای جواد خیابانی منحصر به فرد است و البته نوستالژیک. این امتیازی است که به‌خاطر فعالیت طولانی خیابانی در کار گزارشگری به‌دست آمده. خیابانی سعی کرده با بیننده راحت باشد و خیلی‌ها باور دارند، این صمیمیت در گزارش‌های او وجود دارد.

پاشنه آشیل گزارشگری جواد خیابانی گاهی سراغ جملات عجیب و غریب می‌رود و برای بیان حس واقعی‌اش اصطلاحات غیر قابل درکی ابداع می‌کند. او به‌خاطر برخی اشتباهاتی که در تلفظ نام بازیکن‌ها داشته در مظان است و با بیان جمله‌های شاعرانه! بیش از پیش سوژه می‌شود.... نمی‌دانیم چرا گاهی حواستش بیش از حد پرت است؛ مثل بازی اول پورسولیس در لیگ امسال که تا دقیقه ۷۵ نام امیر روستایی را نمی‌دانست! نکته دیگر این که خیابانی اگر فوتبال‌ها را تحلیل نکند و فقط به گزارش بپردازد بهتر است.

نظر مردم جواد خیابانی هم مسابقه‌ای را گزارش کند بلافاصله واکنش بیننده‌ها را به همراه دارند. گویا باید بعد از هر بازی هر طور شده از خیابانی یک سوتی گرفته شود! با این حال هنوز خیلی‌ها به او علاقه دارند: «ایشون صدای فوق‌العاده‌ای دارند. به خاطر این صدای نایشون هم که شده نباید کنار گذاشته بشن. حالا دوتا بازیکن رو جابه‌جا گفت مگه آسمون زمین اومد!؟» این هم یک کامنت منفی: «خیابانی کارش رو بلد نیست، اطلاعاتش کمه و شناختش از فوتبال ایران ضعیف و از فوتبال جهان افتضاح.»

مزدک میرزایی

موقعیت کنونی در تصمیمی غیرمترقبه و غافلگیر کننده از ایران رفت و حالا قرار است با شبکه تلویزیونی اینترنشنال همکاری کند. مزدک میرزایی به طور رسمی درباره این تصمیم صحبت نکرده. او متهم بود که بخشی از ارشیو صداوسیما را با خود برد...

امتیاز گزارشگری اطلاعات خوبی درباره هر بازی و بازیکن‌ها دارد و به موقع آن‌ها را خرج می‌کند. مهم‌تر این که تحلیل‌هایش به‌اندازه است و اصولی. این یعنی مزدک میرزایی دانش فوتبالی دارد و صاحب تحلیل است. موقع گزارش حواسش هست که هیجان را «به‌خوبی» منتقل کند و صحنه‌های سخت را از دست ندهد. او غالبا نام بازیکنان را به‌درستی تلفظ می‌کند.

پاشنه آشیل گزارشگری مزدک تا وقتی جدی است، کارش خوب پیش می‌رود اما هر وقت خواسته شوخی کند یا جمله‌ای خارج از چارچوب به کار ببرد، نتیجه‌ای عکس گرفته و باعث سوءتفاهم شده! نمونه‌اش موقع گزارش مسابقه جلسی و منچستریسیتی که گفته بود: «خیلی بازیکن کثیفیه این کاسا!» میرزایی برای اعلام گل گرفتار کلیشه است: «دروازه باز می‌شه»، «گل» و «توی دروازه» در عوض اگر او این جمله‌ها را اکثرا بگیرد و بکارست سراغ جمله‌هایی که بعد از گل می‌گوید برود: از دام کلیشه نجات پیدا می‌کند.

نظر مردم آنچه مرور می‌کنیم مربوط به قبل است و خب حالا جنس کامنت‌ها درباره‌اش متفاوت شده. یکی از آن‌ها را مرور می‌کنیم: زمانی که نود پخش می‌شد و او نریشن سوال پیامکی را می‌خواند: «به زمان مهم‌ترین رقیب عادل بود اما توی سال‌های اخیر چنان افتی کرده که جایگاه سابقش را به احمدی داد و الان حتی از علیفر هم پایین‌تر رسیده.» دیگری اما گفته: «مزدک میرزایی بدون شک برترین گزارشگر حال حاضر فوتبال ماست. روی مچ طرفداری هیچ تیمی نیست.» این نظر هم جالب است: «فردوسی‌پور اگه تیکه سنگین و غیرمتعصانه هم بندازه لاقل بامزه است اما مزدک خیلی بی نمک فقط میشوره بازیکنا رو. فکر می‌کنه هرچی بی‌حمله تر گزارش کنه باحال‌تره!»

پیمان یوسفی

موقعیت کنونی بعد از درگذشت بهرام شفیع، برنامه قدیمی ورزش و مردم به او رسید. او در این برنامه موفق‌تر از برنامه‌های پیش ظاهر شده و مهم‌تر این که حاشیه پرنرگ نداشته است. پیمان یوسفی سعی می‌کند با دوربین راحت باشد و همان اصطلاحاتی که در گزارشگری به کار می‌برد حین اجرا استفاده کند. لبخند را چاشنی گفته‌هایش می‌کند تا ارتباطش با مخاطب صمیمی‌تر شود. با این حال منتقدانی سرسخت دارد که نه گزارش را می‌پسندند نه اجرایش را.

امتیاز گزارشگری این که پیمان یوسفی سعی می‌کند اصطلاحات خاص خود را داشته باشد یک امتیاز مثبت است. تن صدای خوبی هم دارد.

پاشنه آشیل گزارشگری برخورداری از اصطلاح خاص خوب است اما زومانه هر اصطلاحی. یوسفی از ترکیبات عربی زیاد استفاده می‌کند و مدت‌ها است واژه تازه‌ای به این جمع اضافه نکرد: «قس علیهذا، من حیث المجموع، لطایف الحیل، ضرس قاطع، کما فی السابق، جبران مافات، علی ایحال و...» از آن طرف، این واژه‌ها به پیچیده‌تر شدن جملات یوسفی منجر می‌شود. او به‌جای جملات ساده، از جمله‌های بلند استفاده می‌کند و برای بیان یک منظور ساده، سراغ سخت‌ترین شیوه می‌رود. ضعف دیگر او، عدم قدرت در انتقال هیجان بازی است؛ گاهی مسابقه در اوج هیجان است اما یوسفی در فضای دیگر سیر می‌کند. نمونه‌اش را در گل قیچی برگردان رونالدو شاهد بودیم که موجب انتقاد همه جانبه از یوسفی شد. او اشتباه لپی زیاد دارد؛ چه در بیان کلمات و چه اسامی بازیکن‌ها.

نظر مردم کاربران موقع نظر دادن درباره پیمان یوسفی از اصطلاحات او بهره می‌برند تا دیدگاه‌شان به طنز آغشته شود. یکی از کاربران نوشت: «الحق والانصاف تحمل گزارش‌های ایشون امری صعب و دشواره. کما فی السابق صدا و سیما وقفی به نظرات مردم نمی‌نهد. نشون به اون نشون که باز هم استاد بار یوسفی انتخاب شده...» این هم یک نظر مثبت: «یکی از بهترین بازی‌های تاریخ ایران و عراق را از استرالیا گزارش کرده.»

محمدرضا احمدی

موقعیت کنونی در مقام مجری روی آنتن شبکه سه رکورد دارد و احتمالا آماده اجرای فصل دوم مسابقه استعدادیابی ستاره‌ها می‌شود. محمدرضا احمدی جزو مجری-گزارشگرانی است که باید منتظر حضور پررنگ‌تر او روی آنتن باشیم. به این دلیل که هم توانمند است و هم در میان مدیریت تلویزیون دارای نفوذ.

امتیاز گزارشگری محمدرضا احمدی خیلی خوب پیشرفت کرد و حالا به‌رغم خیلی‌ها جزو سه گزارشگر برتر است. محمدرضا احمدی صدای خوبی دارد، با بیننده راحت است و جمله‌هایش را «ماده» و «خودمانی» بیان می‌کند تا منظورش سرراست منتقل شود. اطلاعات فوتبالی‌اش به‌روز است و در تلفظ اسم بازیکن‌ها موفق عمل می‌کند. شاخص‌ترین امتیاز احمدی، سکوت‌های اوست. برای مثال می‌گوییم که او در ۱۵ دقیقه پایانی مسابقه انگلستان و اسوالاکی در قالب جام ملت‌های اروپا با چهار دقیقه و ۲۰ ثانیه سکوت رکوردی جالب از خود به جا گذاشت. او نشان‌داده که علاقه زیادی به ساکت‌ماندن در حین گزارش دارد و بیشتر به بیننده اجازه می‌دهد خودش بازی را تماشا کند و حتی در صحنه‌های بعضا حساس صدای ورزشگاه را بر صدای خودش ترجیح می‌دهد.

پاشنه آشیل گزارشگری برخورداری از اصطلاح خاص خوب است اما زومانه هر اصطلاحی. یوسفی از ترکیبات عربی زیاد استفاده می‌کند و مدت‌ها است واژه تازه‌ای به این جمع اضافه نکرد: «قس علیهذا، من حیث المجموع، لطایف الحیل، ضرس قاطع، کما فی السابق، جبران مافات، علی ایحال و...» از آن طرف، این واژه‌ها به پیچیده‌تر شدن جملات یوسفی منجر می‌شود. او به‌جای جملات ساده، از جمله‌های بلند استفاده می‌کند و برای بیان یک منظور ساده، سراغ سخت‌ترین شیوه می‌رود. ضعف دیگر او، عدم قدرت در انتقال هیجان بازی است؛ گاهی مسابقه در اوج هیجان است اما یوسفی در فضای دیگر سیر می‌کند. نمونه‌اش را در گل قیچی برگردان رونالدو شاهد بودیم که موجب انتقاد همه جانبه از یوسفی شد. او اشتباه لپی زیاد دارد؛ چه در بیان کلمات و چه اسامی بازیکن‌ها.

نظر مردم برخی به‌شدت گزارش‌های احمدی را دوست دارند و برخی نه. یکی گفته: «گزارشگر خوبیه و بازی‌های گسل‌کننده رو هم با تب و تاب گزارش میکنه.» دیگری اما عقیده دارد بیش از اندازه حرف می‌زند!

علیرضا علیفر

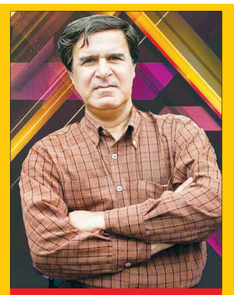

موقعیت کنونی ابتدای هفته مرتکب اشتباه هولناک و البته مشکوکی شد. او در حین بازی گزارش مسابقه تیم‌های رئال مادرید و لوانته اعلام کرد سید جلال حسینی بازیکن لوانته است! خیلی زود واکنش‌ها علیه او شروع شد و کمی بعد، روابط عمومی شبکه ورزش از منع او تا اطلاع ثانوی از گزارشگری خبر داد. علیفر هم توضیح داد چرا فریب خورده! تهدید به رفتن کرد و در نهایت معلوم شد هنوز تصمیمش برای مهاجرت جدی نیست.

امتیاز گزارشگری مدرک مربیگری دارد و این یعنی فوتبال را فراتر از یک گزارشگر صرف، می‌فهمد.

پاشنه آشیل گزارشگری علیرضا علیفر به جای به‌کارگیری دانش فوتبالی خود- گزارش‌هایش را محلی برای اظهار نظر کارشناسی می‌کند. طبعا اظهار نظرهای یک طرفه، روان مخاطبان را به‌هم می‌ریزد. از آن مهم‌تر، بیننده می‌خواهد بازی تماشا کند نه این که نظر جناب سرهنگ را بشنود. عیب دیگر علیفر زمانی است که موقعیت حساس مقابل دروازه ایجاد شده اما او صحبت‌های قبلی را رها نمی‌کند. طبعا ذهن بیننده دوست ندارد در تحلیل‌های قبلی گیر کند و صحنه حساس را نادیده بگیرد! علیفر تازه بعد از پایان موقعیت است که به صدایش میل می‌کند. «توووی دروازه» گفتن او نیز کلیشه شده که البته مدتی است لحن را تغییر داده و احتمالا با قرباه‌ای او کسی از خوانی نخواهد پرید! علیفر بعد از توی دروازه گفتن، چگونگی شکل‌گیری گل را تشریح می‌کند. با این مقدمه: «ببینید جزئیات کار رو»، علیرضا علیفر سال‌هاست در مسیری گام برمی‌دارد که عکس خواسته مخاطب است. نمونه سه‌دادن «توی دروازه» گفتن‌های او که هزاران کامنت اعتراضی درباره آن می‌توان پیدا کرد. علیفر زیاد صحبت می‌کند، سکوتش خیلی کم است، به‌جای گزارش‌های سرراست سراغ تحلیل‌های شخصی می‌رود و...

نظر مردم نظرها درباره گزارش‌های علیفر چندان مثبت نیست. او بعد از سال‌ها فعالیت نتوانسته به محبوبیت دست یابد. برخی اما دوستش دارند منتها بعد از اتفاق اخیر حجم انتقادها شکل فزاینده‌ای داشته است.

عباس قانع

موقعیت کنونی از طور که خودش می‌گوید از کودکی به گزارشگری علاقه داشته است. بعدها با مراکز استان همکاری می‌کند. با راه افتادن مسابقه آقای گزارشگر، عباس قانع فرصت را غنیمت می‌شمارد و در این مسابقه شرکت می‌کند. او در این برنامه صاحب شهرت شد و کمی بعد به جمع گزارشگران تلویزیون اضافه شد. قانع مدتی بعد به شبکه‌ای اینترنتی رفت و حالا بیش از پیش در تلویزیون صاحب گزارش مسابقات مهم می‌شود. شانس بدش این است که آمدن او با رفتن فردوسی‌پور همزمان شده و برخی می‌گویند قرار است جای او را بگیرد! قانع در شبکه ورزش برنامه‌ای والیبالی دارد و یک برنامه هم برای شبکه سلامت اجرا می‌کند.

امتیاز گزارشگری صدای عباس قانع گرم است. او از یک طرف می‌زند و سعی می‌کند صدایش مردانه باشد. اطلاعات فوتبالی‌اش خوب است و در بین اسم بازیکن‌ها خیلی گاف نمی‌دهد. این که می‌خواهد شبکه گزارشگران داخلی نباشد یک امتیاز است و خیلی‌ها تقلیدش از گزارشگران آمریکای جنوبی را دوست دارند. خیلی‌ها هم به اصطلاحات غیر معارف او علاقه دارند؛ مثل استفاده از واژه «بومب..» موقع گل.

پاشنه آشیل گزارشگری عباس قانع از فضای باز اینترنت استفاده کرد و سبک تازه‌ای از گزارشگری فوتبال را جا انداخت. شیوه گزارشگری او در اینترنت با نقدهایی همراه بود اما حالا که به تلویزیون آمده نه آن سبک را به این مقدمه: «ببینید جزئیات کار رو»، علیرضا علیفر سال‌هاست در مسیری گام برمی‌دارد که عکس خواسته مخاطب است. نمونه سه‌دادن «توی دروازه» گفتن‌های او که هزاران کامنت اعتراضی درباره آن می‌توان پیدا کرد. علیفر زیاد صحبت می‌کند، سکوتش خیلی کم است، به‌جای گزارش‌های سرراست سراغ تحلیل‌های شخصی می‌رود و...

نظر مردم از طور که خودش می‌گوید از کودکی به گزارشگری علاقه داشته است. بعدها با مراکز استان همکاری می‌کند. با راه افتادن مسابقه آقای گزارشگر، عباس قانع فرصت را غنیمت می‌شمارد و در این مسابقه شرکت می‌کند. او در این برنامه صاحب شهرت شد و کمی بعد به جمع گزارشگران تلویزیون اضافه شد. قانع مدتی بعد به شبکه‌ای اینترنتی رفت و حالا بیش از پیش در تلویزیون صاحب گزارش مسابقات مهم می‌شود. شانس بدش این است که آمدن او با رفتن فردوسی‌پور همزمان شده و برخی می‌گویند قرار است جای او را بگیرد! قانع در شبکه ورزش برنامه‌ای والیبالی دارد و یک برنامه هم برای شبکه سلامت اجرا می‌کند.

فرشاد محمدی

موقعیت کنونی «به همه شرکت‌کننده‌های دیگر به‌خاطر اطلاعات، سبک گزارش و شخصیت بزرگشان احترام می‌گذارم و می‌دانم همه آنها می‌توانستند جای من باشند.» این جمله‌ای است که ۲۱ افروردین سال ۹۴ فرشاد محمدی مرام به‌عنوان نفر برگزیده مسابقه آقای گزارشگر به زبان آورد. خیلی طول نکشید تا محمدی به‌عنوان گزارشگر با تلویزیون همکاری کند. روزهای اول سهمش از گزارش‌ها کم بود اما به‌مرور زیاد شد و حالا هم در شبکه سه و هم در شبکه ورزش مشغول فعالیت است. او رشد قابل توجهی داشته و بازی‌های مهمی به او می‌رسد.

امتیاز گزارشگری فرشاد محمدی همان‌طور که در مسابقه آقای گزارشگر ثابت کرد، صاحب اطلاعات بالا است. از این منظر می‌توان به او اعتماد کرد و گزارش‌هایش را با دقت گوش داد. او موقع گزارش دقیق است و با حواس جمع پشت مانیتور قرار می‌گیرد. به همین‌خاطر صحنه‌ای از دستش درنمی‌رود. دیگر امتیاز او پرهیز از ورود به زواید است.

پاشنه آشیل گزارشگری نسبت به روزهای اول میزان داد و فریاد اغراق‌آمیزش کمتر شده و حالا هیجان را به موقع به گزارش‌اش تزریق می‌کند. فرشاد محمدی باید سکوت‌ها و مکث‌هایش را هم بیشتر کند. او هنوز صاحب اصالت نشده است درحالی که باید حالا گزارشگری شناخته‌تر می‌بود.

نظر مردم در سایت طرفداری چندنظر متضاد دیده می‌شود. یکی از کاربران که دیدگاهی میانه داشته است نوشته: «بیخودی به بازی جو میده ولی به ذره هم خوبه بازی‌های غیر مهم رو زیاد جذاب میکنه.» دیگری گفته: «صداش خیلی زیاده.» دیگر کاربر سایت طرفداری با یک جمله رضایت خود را از عملکرد محمدی نشان داده: «خداییش کارش درسته.» دیگری هم گفته: «تنها تو مسابقات آقای گزارشگر اول شده بود.» درمجموع محمدی جزو گزارشگرانی نیست که در کامنت‌ها از صدا و نحوه گزارشش تعریف کرده‌اند.

محمد سیانکی

موقعیت کنونی در قیاس با سال‌های قبل پرکارتر شده است. دلیل مشخص این اتفاق غیبت فردوسی‌پور و مزدک است که باعث شده تلویزیون موقعیت بیشتری در اختیار محمد سیانکی قرار دهد. او هم در شبکه سه و هم در شبکه ورزش گزارش مسابقات داخلی و خارجی را انجام می‌دهد.

امتیاز گزارشگری پیش‌تر نوشتیم محمد سیانکی به نسبت چندسال پیش پیشرفت چشمگیری داشته که نمود آن را می‌توان در لحن گزارش‌هایش دید. سیانکی هیجان بازی را به‌خوبی منتقل می‌کند و معمولا صحنه‌های حساس از دستش در نمی‌رود. صدای گرمی دارد که البته گاهی برای تاثیرگذاری بیشتر به‌نظر می‌رسد دارد صدا سازی می‌کند. محمد سیانکی طی سال‌های اخیر سعی کرده اطلاعات خود را کامل‌تر از پیش کند و با اشراف بیشتر پشت میکروفن قرار گیرد.

پاشنه آشیل گزارشگری اگر بخواهیم به‌طور موردی مثال بزنیم، به گزارش چندهفته پیش اشاره می‌کنیم که سیانکی هیجان لازم را نداشت. نمی‌دانیم چرا گاهی لحظه‌های گل بازی را رام و معمولی گزارش می‌کند. او همچنین متهم است به هواداری. این نکته‌ای است که ما هم پیش‌تر نوشتیم و گفتیم برای گزارش بازی‌های استقلال در لیگ قهرمانان آسیا، مرزی در هواداری قائل نیست و برای همین در لحظاتی گرفتار اغراق می‌شود. ضعف دیگر سیانکی، میزان کم سکوت در حین گزارش است. او اجازه نمی‌دهد، بیننده برای لحظاتی با صدای استادیوم و فعل و انفعالات مسابقه، خلوت کند. سیانکی می‌خواهد راوی همه اتفاقات باشد که خب بیننده را خسته می‌کند.

نظر مردم زیاد تلاش کرده اما هنوز نتوانسته نام خود را به‌عنوان یک گزارشگر محبوب جا بیندازد. بدتر این که همچنان کامنت منفی درباره عملکردش زیاد دیده می‌شود. با این حال گزارش‌های او مورد پسند دسته‌ای از بیننده‌ها است که در کامنت‌ها از صدا و نحوه گزارشش تعریف کرده‌اند.

علیرضا دهقانی

موقعیت کنونی در سایت شبکه ورزش این‌طور معرفی شده: «متولد ۱۳۵۳ در تهران، دارای فعالیت‌های رسانه‌ای ارام گزارش می‌کند و حواسش هست هیجان‌ها را به اندازه به بیننده تزریق کند. اطلاعاتش از فوتبال خوب است و معمولا کاف نمی‌دهد.

پاشنه آشیل گزارشگری دهقانی صاحب شناسنامه در گزارشگری نشده است. او کلیه‌ای گزارش می‌کند و هنوز به سبک خاص و منحصربه‌فرد نرسیده. دهقانی یک حاشیه برنگ دارد و آن هم به گزارش تیم ملی امید با افغانستان برمی‌گردد. دهقانی بعد از حاشیه‌های علیفر گفته بود: حداقل درمورد خودم تجاریی دارم و تذکر شنیدم. به‌طور مثال به‌خاطر اشتباهی که در بازی امید ایران و افغانستان انجام دادم، مدیران شبکه و گروه ورزش تذکر دادند و خواستند چندروزی گزارش نکنم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد! اما تاکنون ندیدم‌ام جریمه نقدی یا برخورد دیگری صورت بگیرد.

نظر مردم آن چه در سایت طرفداری دیده‌ایم، چندنظر معدود است که غالبا هم از دهقانی تمجید کرده‌اند: «از مهمترین مزیت‌های آقای دهقانی که ۹۷درصد گزارشگرای ما باهاش بیگانه هستند به‌روزبودن و گشت‌وگذار بسیار در سایت‌های فوتبالیه. حتی در گزارش‌ها هم به این اشاره کرده که به سایت‌های هواداری نیمه‌های بزرگ سر میزنه و از مطالب به‌روز اونا استفاده میکنه.» یک‌نفر هم منتقد اوست: «دهقانی به جاهایی به حرفایی می‌زنه که نباید بزنه! مثل کریس رونالدوی دوست‌داشتنی! حرفم این نیس که رونالدو دوست‌داشتنی هست یا نه! حرفم اینه که ممکنه خیلیا واسه این حرف ازش خوششون نیاد!»

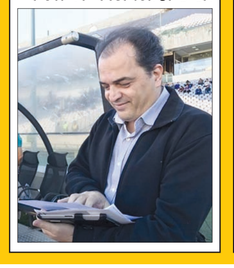

آنالیز

چقدر خوبیم ما!

تحلیلی بر اصطلاحات گزارشگران در لحظه‌ای که توپ وارد دروازه می‌شود؛ کدامیک عملکرد بهتری دارند؟

حرفی کلیشه‌ای است که گزارشگران همیای اتفاقات مهیج و دراماتیک فوتبال می‌توانند لذت تماشا را دوچندان کنند. گوش‌مان به اندازه چشم‌مان حساس است و اگر جمله‌ای ناقص، کاف و یا حرف‌های عجیب و غریب بشنویم، حظ‌مان از دیدن مسابقه کم و کم می‌شود. در مسابقات مهم این حساسیت‌ها چند برابر است و البته گزارشگران به این مسئله واقف هستند. برای تکمیل گزارش اصلی که به عیار گزارشگران اختصاص دارد، سراغ عملکرد ۸ نفر از آن‌ها رفته‌ایم. برای تحلیل عملکرد آن‌ها یکی از بازی‌های مهم‌شان انتخاب شده است. تمرکز بر لحظه‌هایی است که گل به ثمر رسیده و عین جمله‌های‌شان آورده شده. هدف این است تا مشخص شود در مهم‌ترین لحظه بازی چه جمله‌ای به زبان آورده‌اند. برخی از کلیشه توی دروازه بهره می‌برند و برخی سراغ نوآوری رفته‌اند. به اقتضای اهمیت برخی بازی‌ها، تحلیل عملکرد چند گزارشگر را متناسب با شرایط بازی نوشته‌ایم. با این حال آن چه مشترک است بررسی واکنش هر کدام در لحظه‌ای است که توپ وارد دروازه شده. رکورد نوآوری در اختیار عادل فردوسی‌پور است که در برنگاه‌های مختلف تکیه کلام‌هایش ورد زبان‌ها شده.

عادل فردوسی‌پور – پرسپولیس – السد

کل اول فردوسی‌پور با نزدیک شدن بازیکنان حریف به دروازه پرسپولیس کمی صدایش را بالا برد: «پدرو، پشت محوطه جریمه...» او متوجه وضعیت شده بود و با گفتن «خطرناک... خطرناک...» این حس را منتقل کرد. فردوسی‌پور نگفت گل و به‌جای آن شرایط را این‌طور توصیف کرد: «توپ رو رها کردن و بونچاح دروازه پرسپولیس رو باز می‌کنه...»

کل دوم وقتی کاوه‌ین منشا توپ را ساتر کرد، فردوسی‌پور صدایش را بالا برد: به موفقیت و گل، توی دروازه، سیامک نعمتی حساب کار را یک - یک می‌کنه... به گل فوق‌العاده حساس، فوق‌العاده ارزشمند! با یه سر ضرب عالی و دیدنی ضربش رو زد و این جو ورزشگاه رو به وجد میاره، ضربه سیامک نعمتی، در پست تخصصی خودش حساب را یک - یک می‌کند. فردوسی یک جمله بامزه هم به کار برد: «جونم بیراتوند... چی گرفت؟! چطوری ژاوی، حالا بعد از چطوری کریس؟!»

جواد خیابانی – ایتالیا-اسپانیا

کل اول حالا ضربه زده می‌شه و توی دروازه، چه گلی هم می‌زنه. حالا این جا بازیکن مادریدی ایسکو و ورزشگاه سانتیاگو برنابئو در اوج شادمانی قرار می‌گیرد. پرچم‌های اسپانیا رو می‌بینید در ورزشگاه و مربی این تیم رو.

کل دوم فرصت خوب برای آسانسیو. فرصت خوب. به ضربه و باز هم توی دروازه. باز هم ایسکو. نتیجه رو دو بر صفر می‌کنه. حالا مادریدی‌ها در مادرید غوغا می‌کنن و پرچم‌های اسپانیا در ورزشگاه سانتیاگو برنابئو به اهتزاز در میاد.

کل سوم گل سوم. تمام. دیگه کار ایتالیا تمام شد واقعا. عالی کار کردن. راموس مثـــل به پاسور واقعا مثل یه مهاجم یا به توپ کار کرد. و کلافگی مربی تیم ملی ایتالیا.

تکنیک‌ها جواد خیابانی بعد از گل اول و دوم از کلیشه «توی دروازه» استفاده کرد. پس از سومین گل اما خرق عادت کرد: «گل سوم. تمام. دیگه کار ایتالیا تمام شد.»

مزدک میرزایی – پرسپولیس – استقلال

کل اول حالا ضربه دراماتیک برای پرویز مظلومی / سانترهای نابودکننده مهدی مهدوی کیا.» پرسپولیس که گل تساوی را به ثمر رساند، میرزایی به سیاق همیشه با حالت ممتد گفت: «توی دروازه». جمله معروف او بعد از گل دوم پرسپولیس رقم خورد که گفت: «یک بازی دراماتیک برای پرویز مظلومی. او چند لحظه پیش برنده بود... و پرسپولیس که شکست نمی‌خوره و مصطفی دنیزلی باز هم در دربی شکست نمی‌خوره... ضعف در دفاع استقلال و سانترهای نابودکننده مهدی مهدوی کیا.» بعد از گل سوم هم اینگونه گزارش کرد: «این ضربه و توی دروازه،دوباره گل برای پرسپولیس. یک گل استثنایی دیگه بازی رو سه،دو می‌کنه... یک بازی باور نکردنی شد در این ۱۰ دقیقه پایانی...»

جمله معروف گزارش مزدک میرزایی به جز در لحظه گل دوم و سوم پرسپولیس ویژه نبود و تفاوتی با گزارش‌های دیگرش نداشت.

پیمان یوسفی – ایران –عراق

جمله معروف تیم ملی کشورمان امید زیادی به قهرمانی داشت. تیم با ۹ امتیاز از مرحله گروهی و صدرنشینی راهی مرحله یک چهارم نهایی شده بود. همه چیز برای پیروزی بر عراق آماده به‌نظر می‌رسید اما در ضربات پنالتی مغلوب شدیم.

عملکرد این مسابقه سال ۹۳ برگزار شد؛ در دورانی که هنوز یوسفی سر حال گزارش می‌کرد و پرانرژی بود. او به استرالیا رفته بود و به همین خاطر به خوبی حال‌وهوای ورزشگاه را منتقل می‌کرد. نکته ویژه اینکه پیمان تیق نداشت و جمله‌هایش را به‌طور کامل بیان می‌کرد. واکنش‌هایش بعد از گل‌ها هم جالب بود؛ ایران که گل می‌خورد صدایش را پایین می‌آورد و چندلحظه ساکت می‌ماند. وقتی به گل می‌رسیدیم، فریاد می‌کشید و جمله‌های توصیفی مناسبی به کار می‌برد. معروف‌ترین‌اش بعد از گل سوم ایران بیان شد: ایران قصد حذف شدن ندارد...

محمدرضا احمدی – پرسپولیس _استقلال

جمله معروف «طارمی هت‌تریک می‌کنه یا پاس می‌ده؟گل سوم (برای طارمی؟) ... نه چهار تا می‌شه حالا (پرسپولیس)...» این جمله محمدرضا احمدی در شرایطی بیان شد که پرسپولیس در دقیقه ۸۵ به بر یک از استقلال جلو بود. آبی‌ها برای جبران جلو کشیده بودند که اسیر خد حمله شدند. توپ به مهدی طارمی رس